

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره دهم، پاییز ۱۴۰۱، ص ۷۳-۹۱

عوامل ایجاد امنیت در خانواده از منظر اسلام

مهین سقایی فیروز آبادی^۱

چکیده

خانواده مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی بشر بوده و بهترین بستر برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی انسان است. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین جامعه بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مرهون هدایت و ضلالت خانواده می‌باشد. بیشتر دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه‌ی خانواده سالم و امن پدید آمده است. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری و امنیت خانواده است. دین اسلام به عنوان عالی‌ترین راهنمای بشر، بهترین هدایتگر در مسیر زندگی است. لذا برای بقای امنیت در زندگی خانوادگی و اجتماعی، عوامل خاصی را قائل است در این پژوهش به دنبال بررسی این عوامل و آثار آن در خانواده به روش توصیفی - تحلیلی هستیم. نتایج تحقیق گویای تأثیر دو دسته عوامل فردی و اجتماعی در امنیت خانواده است. بهترین راهکار برای در امان ماندن خانواده‌ها از آسیب‌های موجود، پناه بردن به دین و رعایت اصول اخلاقی و عبادی آن مانند رعایت حریم بین زن و مرد، حفظ اسرار خانواده و امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است.

واژگان کلیدی: امنیت، خانواده، اسلام

^۱ طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، مرکز تخصصی حضرت زهرا(س) میبد، یزد، مربی پرورشی دبیرستان امام رضا (ع) میبد، ایمیل: Zahramra3@gmail.com

مقدمه

خانواده یکی از اساسی‌ترین نهادهای هر جامعه‌ای است که بسیاری از صاحب‌نظران در مورد آن اندیشیده‌اند و ریشه تمام ناهنجاری‌ها و کجروی‌ها را در خانواده جستجو کرده‌اند و در واقع هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند مگر از خانواده‌ای سالم برخوردار باشد. اساس سعادت بشری، زندگی خانوادگی است؛ زیرا حیاتِ مبدأ خانوادگی، همسری زن و مرد است که اساس خانواده را تشکیل می‌دهند. خانواده پایه اساسی و سازنده‌ی مهم‌ترین ساخت اجتماعی است و وجود همه نظام‌های دیگر اجتماع، بستگی به مشارکت در نظام خانوادگی دارد. رفتارهای ناشی از نقشی که در خانواده فراگرفته شده است، نمونه و سرمشق رفتار در سایر قسمت‌های جامعه خواهد بود. هدف اجتماعی کردن اعضای خانواده، پاسداری از سنن فرهنگی جامعه است و خانواده با نقشی که در انتقال آن به نسل بعد دارد، فرهنگ را زنده نگه می‌دارد. خانواده مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی بشر بوده و بهترین بستر برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضاء، پرورش نسل و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی انسان است. با این حال یکی از تأثیرپذیرترین نهادها در برابر تغییرات می‌باشد. تأمین سلامت شخصیت اعضاء خانواده و نقش پدر و مادر در تأمین آن و نیز نقش رفتار همسران در امنیت خانواده از مسائلی است که از دیدگاه دینی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. وجود امنیت در خانواده باعث آرامش طرفین، گسترش روابط اجتماعی از طریق خویشاوندی، زمینه‌سازی برای تربیت فرزند، صداقت طرفین، خوش‌بینی نسبت به همسر و صبر و قناعت می‌شود و بالطبع، خشونت جسمی و روانی عامل انزوای اجتماعی افراد خانواده می‌شود. ناامنی از نگاه جامعه‌شناسان باعث بروز ترس، خجالت، عدم اعتماد به نفس، بدرفتاری‌های کلامی، دشنام و ناسزا که نتیجه آن بر هم خوردن تعادل روحی خانواده می‌باشد. امنیت از دیدگاه‌های مختلف (قرآنی و روان‌شناسی) از اساسی‌ترین نیازهای انسان است که برخی آن را در حد نیازهای اولیه انسان می‌دانند و در فرهنگ اسلامی امنیت چنان جایگاه و حساسیتی دارد که مسلمانان آن را جزء اساسی‌ترین نیازهای روزانه خود به حساب می‌آورند و برای تأمین، حفاظت و گسترش آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. اصولاً هدف از تشکیل خانواده برقراری امنیت و آرامش است. یکی از بهترین دستاوردهای ازدواج مرد و زن نیز آرامش روحی و امنیت روانی است. خانواده بزرگ‌ترین نقش را در به وجود آوردن روابط اجتماعی سالم و ایجاد اعتماد به نفس دارد، کمبود آرامش و اعتماد در بین برخی از اعضای خانواده‌های مسلمان، ما را بر آن داشت که این موضوع را از نگاه اسلام که جامع‌ترین دین می‌باشد و راهکارهایی برای ایجاد این آرامش و امنیت در خانواده‌ها دارد، بررسی کنیم. برای تأمین امنیت در خانواده عوامل متعددی لازم است و راه‌های مختلفی وجود دارد. در این تحقیق سعی بر آن است که از دیدگاه اسلام (از نگاه قرآن کریم و روایات و سیره اهل بیت (علیهم السلام) راهکارهای تأمین امنیت در خانواده بررسی شود.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- امنیت در لغت

واژه امنیت از ثلاثی مجرد «أمن» می‌باشد که معانی متعددی برای آن آمده است؛ در فرهنگ‌های فارسی این‌گونه بیان شده است: ایمن شدن، بی‌بیمی، (معین، ۱۳۸۱، ذیل واژه امنیت). در امان بودن، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۷۴، ذیل واژه امنیت) مصون بودن، خاطر جمع بودن؛ (قرشی، ۱۳۵۲، ذیل واژه امنیت). عدم ترس و خوف؛ (دهخدا، ۱۳۸۰، ذیل واژه امنیت). حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله، آمادگی برای رویارویی با هر تهدید یا حمله؛ (آشوری، ۱۳۸۹، ص ۳۸). آسایش، سلامتی، بی‌خطری؛ (سیّاح، ۱۳۷۸، ذیل واژه امنیت). ایمن شدن، ضدّ خوف، مأخوذ از عربی، بی‌خوفی؛ (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۳). اصل امنیت، آرامش خاطر و آرامش نفس و از بین بردن بیم و هراس است. امن، امانت، امان هر سه مصدرند و به حالت و وضعی اطلاق می‌شوند که انسان در آرامش می‌باشد؛ (خسروی حسینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۵). این واژه با مشتقاتی مانند «استیمان» و «ایمان» همراه است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه نموده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بُعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۹). همچنین بار معنایی مشابهی با کلمه «سکینه» دارد؛ سکینه در اصل همان ایمان است؛ چون نفس، اضطراب و پریشانی‌اش را وامی‌نهد و از تیرگی و کدورت در امان است. (صالح، ۱۳۸۰، ص ۳۱۸). در فرهنگ قرآن امنیت یعنی آرامش و نبود ترس و وحشت. (هاشمی رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۷۵). در مجموع از ریشه این کلمه، «أمن» با ۶۲ کلمه مشتق، حدود ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته که از این تعداد کاربرد ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی است. (روحانی، ۱۳۷۲، ص ۳۷۲).

۱-۲- امنیت در اصطلاح

گذشته از ریشه لغوی در تعریف امنیت باید گفت که:

مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی، حقوق مشروع آنان را تهدید نکند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷). و در یک تعریف عام نیز امنیت عبارت است از: کیفیت احساس تأمین بودن که به معنای احساس آسودگی از ترس و عدم اطمینان است. (جهان بزرگی، ۱۳۸۷، ص ۳۸). گاه امنیت به مفهوم دیگر نیز بیان می‌شود و آن حالتی است که افراد در شرایط خاص نسبت به حفظ و صیانت حقوق مشروع خود احساس می‌کنند که متلازم و مترادف با حالت آرامش و اطمینان در برابر اضطراب درونی است. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۵۴۹). امنیت از مقولات حیاتی، در زندگی بشری به شمار می‌آید. بستر تحقق آرمان‌ها، رشد استعدادها و دستیابی به اهدافی است و در هر جامعه و نظامی، با توجه به مفاهیم ارزشی حاکم بر آن جامعه تعریف می‌شود. همیشه بین امنیت و قدرت، یک نوع رابطه منطقی وجود دارد. واژه متضاد «امنیت»، «تهدید» است. در نظر برخی گذشتگان، امنیت عبارت بود از اقتدار بی‌حدومرز حاکمان که از طریق

شلاق، سرنیزه و زندان به وجود می‌آمد و در چنین فضایی، وجود خفقان به امنیت تفسیر می‌شد، ولی امروزه در دنیا، برخی تأکید دارند که امنیت را باید از طریق افزایش مشارکت‌های مردم در امور سیاسی-اجتماعی، تشکیل و گسترش سازمان‌ها و نهادهای مدنی، تقویت نظام‌های مردمی بر دستگاه‌های دولتی، نقد عملکرد مسئولان و گشایش باب گفتگو میان مردم و دولت به دست آورد. «امنیت» به لحاظ روان‌شناسی اجتماعی یک خصوصیت روانی و ذهنی است که این خصوصیت بر روی بسیاری از رفتارهای افراد و جوامع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم می‌گذارد... در اینجا به تعریفی از امنیت اشاره می‌کنیم: «آرنولد والفرز» در تعریف امنیت از شیوه سلبی استفاده کرده و می‌گوید: «امنیت را می‌توان به وسیله فقدان ناامنی تعریف کرد؛ یعنی هر جا که ناامنی نیست امنیت وجود دارد، وجود جنگ، خشونت، زدو خورد و منازعات فردی و بی‌ثباتی برخی از علائم ناامنی هستند». (نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، ص ۱۲۰). از مجموع اظهارنظرهایی که درباره مفهوم واژه امنیت انجام گرفته می‌توانیم به این جمع‌بندی برسیم که: «امنیت عبارت از وضعیتی آرام بخش است که انسان به گونه‌ای نسبت به جان، مال، ناموس و حیثیت خود اطمینان داشته باشد که هیچ عامل مخربی حیات و هستی او را مورد تهدید قرار نمی‌دهد». (تقوی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸). هرگاه این آرامش و تهدید در سطح ملی نسبت به استقلال کشور، مایملک و منافع ملی، حیثیت و اعتبار سیاسی وجود داشته باشد امنیت و یا عدم امنیت ملی وجود دارد. امنیت در فرهنگ نبوی بر نعمت تأکید دارد و در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است: «الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» (عابدینی مطلق، ۱۳۸۶، ص ۳۸). امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند. همچنین در فرهنگ علوم سیاسی امنیت عبارت است از «توانایی در حفظ ارزش‌ها و ثروت‌ها در برابر تهدید». (جاسمی، ۱۳۵۷، ص ۱۰۱). امنیت در گستره وسیع‌تر، در مفهوم امنیت ملی نیز تعریف شده است؛ یکی از نخستین کسانی که امنیت ملی را تعریف کرده والتر لیمپن است؛ وی معتقد است یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد. (بهرامی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴). در واقع امنیت ملی عبارت است از مصونیت ارزش‌های حیاتی کشور از هرگونه تهدید و تعرض و فقدان ترس و خطر از تجاوز بیگانگان نسبت به حاکمیت، استقلال و سایر منافع اساسی و حیاتی مملکت. (نادری، ۱۳۸۸، ص ۱۷-۲۳).

۱-۳ - خانواده در لغت

این واژه معادل واژه انگلیسی *family* و کلمه فرانسوی *familla* و *familie* و معادل واژه‌ی عربی اهل و «أسرة» است.

خانواده‌ی مرد، قبیله و اقوام نزدیک او هستند؛ زیرا او به وسیله‌ی ایشان خودش را از خطرات حفظ می‌کند، همچنین خانواده قبیله‌ی مرد و از افراد خانواده‌ی او هستند؛ (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۰). همان طوری که جوهری می‌گوید: «الْأُسْرَةُ بِالضَّمِّ؛ (حسینی مصری، ۱۳۰۶ق، ج ۳، ص ۱۲). خویشاوندان پدری مرد هستند».

و در فارسی این واژه برابر خاندان و دودمان، اهل خانه، اهل بیت، خیل تبار و دوده آمده است. (معین، ۱۳۸۱، ذیل خانواده)

۱-۴- خانواده در اصطلاح

جامعه‌شناسان تعاریف گوناگونی از خانواده ارائه نموده‌اند که براساس هر یک دامنه گستردگی خانواده متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال یکی از جامعه‌شناسان معروف^۱ در تعریف خانواده می‌گوید: «خانواده گروهی است دارای روابط جنسی چنان پایا و مشخص که به تولید مثل و تربیت فرزندان منجر می‌شود». (ساروخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵). جامعه‌شناس دیگری^۲ معتقد است: «خانواده یک واحد اجتماعی است که نشانه‌های آن اقامت مشترک در یک مکان همکاری اقتصادی و پذیرش مسئولیت، پیدایش فرزندان که حداقل شامل دو شخصیت رشد یافته از دو جنس مخالف و لااقل یک فرزند که نتیجه‌ی رابطه‌ی این پدر و مادر است می‌باشد». (شریف القریشی، ۱۳۷۷، ص ۲۲). تعریف دیگری^۳ نیز خانواده را گروهی از افراد معرفی می‌کند که «با ارتباط خویشاوندی مستقیم پیوند یافته‌اند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند». (مقدادی، ۱۳۸۵، ص ۱۹). با کمی دقت درمی‌یابیم که دو تعریف اخیر نسبت به تعریف اول از گستردگی بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا فرزندان را نیز جزء افراد خانواده معرفی می‌کند و همچنین در همه‌ی آن‌ها دو ویژگی مشترک در رابطه با خانواده وجود دارد که آن دو عبارتند از:

۱- خانواده گروه و نهادی اجتماعی است.

۲- عامل پیوند افراد خانواده ازدواج مشروع می‌باشد.

بنابراین هر اجتماع دونفره یا بیش‌تر از افراد را نمی‌توان خانواده نامید و لازم است این نهاد اجتماعی با رابطه‌ی مشروع به وجود آید. بنابراین می‌توان گفت خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند یا خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می‌شوند. خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است. یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد؛ قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین، جهت تعالی کارایی خانواده، لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود. فلذا تحکیم روابط در خانواده از جمله مهم‌ترین مسائل در سلامت و رشد فرد، همچنین پویایی و توسعه همه‌جانبه در جامعه است.

۱. Makairer.

۲. Mardok.

۳. Antoni gidnez.

۲- عوامل ایجاد امنیت در خانواده

عوامل ایجاد امنیت در خانواده در دو دسته خلاصه می‌شود: عوامل فردی و عوامل اجتماعی.

الف) عوامل فردی

مراد از عوامل فردی اموری است که نهادینه شدن و ملکه شدن آن‌ها در نفس فرد، باعث آرامش درونی او شده و این آرامش را به دیگران انتقال می‌دهد؛ زیرا محیط خانواده باید سرشار از آرامش و سکون باشد و فرد در آن به رشد برسد.

۱- معنویت

آنچه مسلم است این است که معنویت یکی از ارزش‌های غیرمادی است که در عالم طبیعت اختصاص به انسان دارد و شخصیت اصلی انسان را تشکیل می‌دهد و سعادت واقعی نیز به آن وابسته است. ریشه‌ی واژه‌ی معنویت «عَن» به معنای قصد و اراده است و «معنی» به آنچه قصد شده گفته می‌شود و معنای کلمه یعنی مدلول و مضمون آن. همین‌طور به صفات پسندیده‌ی آدمی «معانی» گفته می‌شود و «فَلَانٌ حَسَنٌ الْمَعَانِي؛ فلانی دارای صفات پسندیده است». (لویس معلوف، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۹۵). معنویت نحوه‌ای از مواجهه با جهان هستی است که نتیجه‌اش این است که حالت‌های نفسانی نامطلوب مانند غم و اندوه، ناامیدی، دلهره و اضطراب، احساس سرگستگی و سردرگمی، احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی و... تا آن‌جا که امکان‌پذیر است در انسان پدید نمی‌آید، این نحوه‌ی مواجهه موجب رضایت باطن می‌شود. (ملکیان، ۱۳۷۹، ص ۷). انسان که افزون بر حیات حیوانی، افکار عالی و تصرفات شگفت‌انگیزی دارد که او را از همه‌ی حیوانات متمایز می‌کند. ولی در میان انسان‌ها نیز افرادی وجود دارند که علاوه بر زندگی عادی که همه از آن برخوردارند، از علم و ایمان و معرفت نسبت به آفریننده‌ی هستی برخوردار هستند و قادر به درک اموری از عالم معنا هستند که دیگران از درک آن عاجزند. (الهامی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۱-۲۲). قرآن در مورد این افراد می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؛ (انعام) (۶) آیه ۱۲۲). آیا کسی که مرده بود (به مرگ کفر و بی‌ایمانی) پس ما او را [به وسیله‌ی نور هدایت] زنده کردیم و برای او نوری [از ایمانش] قرار دادیم که با آن در میان مردم راه می‌رود همانند کسی است که به مثل در تاریکی‌ها [ی انحراف اعتقادی و عملی] است و از آن بیرون شدنی نیست». با توجه به آیه‌ی مورد نظر روشن می‌شود که «به راستی در مؤمن، حقیقت و واقعیتی دارای اثر، وجود دارد که در دیگران وجود ندارد؛ و این حقیقت سزاوارتر است به اینکه اسم حیات و زندگی بر آن گذاشته شود تا بر آن حقیقتی که در دیگر مردم است، و آن را در مقابل حیات نباتی، حیات و زندگی حیوانی می‌نامیم». (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۶۶).

۱-۱- عوامل معنویت در خانواده

الف: ترغیب به عبادت و بندگی

از توصیه‌های مهم اسلام، اهتمام به عبادت و سفارش و تشویق دیگر افراد خانواده به آن است؛ زیرا سلامت و آرامش خانواده منوط به ایجاد روح معنویت و یاد خدا در فضای خانه و ایجاد فضایل اخلاقی در افراد خانه است. قرآن کریم در مورد توجه سرپرست خانواده به اعمال دیگر اعضای خانواده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ (تحریم) (۶۶) آیه ۶۶. ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و کسان خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید، بر آن آتش فرشتگانی خشن و قوی موکلند که خداوند را در آنچه به آن‌ها امر می‌کند نافرمانی نمی‌کند و آنچه را دستور داده می‌شود انجام می‌دهند».

ب: پیروی از قرآن

قرآن کتاب الهی، (فاطر (۳۵) آیه ۲۹) نور هدایت (عراف (۷) آیه ۱۷۵) و شفای سینه از دردهای اخلاقی (فصلت (۴۱) آیه ۱۴۴) است که مرد و زن در برابر این نعمت بزرگ الهی مسئول و مکلف به یادگرفتن و عمل به آیات آن در تمامی ابعاد زندگی هستند و بی‌تفاوتی نسبت به آن گناه و معصیتی عظیم است. (انصاریان، ۱۳۷۹، ص ۳۴۱) قرآن نامه‌ی حق به سوی عبد است که پاسخ به آن از جانب عبد واجب است و پاسخ آن این است که از لحاظ قلب به حقایق حقه‌ی آن آراسته شوند و از جهت نفس بر حقایق اخلاقی و از جهت جسم عمل به آن است. (همان)

ج: متابعت از رسول و ائمه (علیهم‌السلام)

خداوند انبیاء را برای هدایت مردم به سوی راه مستقیم و دعوت به توحید برانگیخت که نتیجه‌ی اجابت دعوت آنان زنده شدن به حیات معنوی است. حضرت علی (علیه‌السلام) در ارتباط با رسالت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «لِيَخْرَجَ عِبَادَةُ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَمِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ؛ (دستی، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷، ص ۱۹۰). برای اینکه بندگان خدا را از پرستش بت‌ها به عبادت حق سوق دهند و از ذلت طاعت شیطان به عزت طاعت حق برسانند». خداوند مهربان کردار، گفتار و اخلاق انبیاء را برای تمام مردم حجت قرار داد و از آنان به عنوان اسوه و الگو یاد فرموده است، به همین دلیل انبیاء در قیامت میزان اعمالند و عمل مردم با عمل آنان سنجیده می‌شود و به هر میزان بین عمل آنان و عمل انبیاء هماهنگی وجود داشته باشد اهل نجاتند، وگرنه اهل دوزخند.

خداوند بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اتمام نعمت و اکمال دین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و یازده امام بعد از او را برگزید تا مردم با توسل به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) در صراط مستقیم ثابت بمانند و تا ابد گمراه نشوند. امامان نیز هم چون انبیاء در روز قیامت میزان سنجش حق هستند. (انصاریان، ۱۳۷۹، ص ۳۴۳ - ۳۴۵). به همین دلیل الگوگیری از سیره رفتاری آن‌ها برای امت اسلامی لازم است. قرآن کریم با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل (۱۶) آیه ۱۶). و نیز نشانه‌هایی (قرار داد) و آن‌ها به وسیله ستاره راه را می‌یابند؛ که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) ستاره به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علامات به امامان (علیهم السلام) تفسیر شده است. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۱۸۳-۱۸۸؛ طبرسی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۲۳۹).

د: ارتباط با عالمان دینی

پیروی از فقها و متخصصان معارف الهیه که آشنا به قرآن و روایات هستند بر مردم لازم و ضروری است؛ زیرا آگاهی از بسیاری از امور دینی، قرآنی و فقهی نیازمند شرح و تفصیل می‌باشد و این جز از عهده‌ی عالمان دین بر نمی‌آید، و همچنین آنان بعد از انبیاء و امامان (علیهم السلام) حجت خداوند بر مردم هستند و اقتدای به آنان اقتدای به پیامبر و امامان (علیهم السلام) است و موجب نجات و رستگاری انسان است.

ه: رفت و آمد با افراد متدین

ارتباط در شکل‌گیری و جهت‌دهی معنویت نقش بسیار مهمی دارد. اینکه بدانیم چگونه ارتباط برقرار سازیم تا به سلامت روحمان آسیب نرسد، مسئله‌ای مهم در استحکام معنویت در خانواده است. اگر شما با افرادی که اهل تجمل و عقاید اشتباه هستند ارتباط برقرار کنید به مرور زمان در شیوه‌ی تفکر شما اثر خواهند گذاشت و ایمان شما را فاسد خواهند کرد، که تأثیر این مسئله در کودکان شما که قوه تشخیص ندارند و جذب ظواهر می‌شوند بیش‌تر است. بنابراین در زندگی خانوادگی رفت و آمد با انسان‌های متدین، دیدن شیوه‌ی زندگی آن‌ها، تعاملشان و غیره به شما کمک می‌کند مهارت‌یابی‌های خوبی در رفتارشان داشته باشید.

و: انس با دعا و نیایش

دعا و نیایش از محکم‌ترین مهارت‌های است که می‌تواند در تقویت بُعد معنوی خانواده مؤثر باشد. دعا حالتی روانی است که میان بنده و معبود انس و کشش زیبا و ناب به وجود می‌آورد. روح و باطن انسان در این دنیا همواره در معرض آلودگی است؛ آلودگی به هوس‌های لجام‌گسیخته، خودخواهی‌های ویرانگر، کبرورزی‌های ناشی از پیروزی و کامیابی، عقده‌ی روانی پس از شکست و ناکامی و به دنبال آن حسد، کینه‌ورزی، افسردگی، اضطراب و انتقام که

درون آدمی را تیره و از راه پارسایی منحرف می‌کند؛ (جوهری، ۱۳۸۶، شماره ۲۲، ص ۱۵). در چنین وضعیتی هر انسانی با نیایش، به معنای واقعی امیدواری و طهارت روح و جان دست می‌یابد.

ز: رزق حلال

از مسائل بسیار مهمی که مرد و زن خانه باید نسبت به آن مراقبت کنند مسئله‌ی غذای حلال است و اهمیتی از آن نظر است که لقمه‌ی حرام علاوه بر حکم تکلیفی اثر وضعی نیز دارد. (جباران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸۴). که از آن‌ها می‌توان قساوت قلب و سیاهی دل را نام برد که قرآن در مورد آن می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ» (زمر ۳۹) آیه ۲۲). وای بر کسانی که دل‌هایشان سیاه باشد».

۲- رعایت اصول اخلاقی

واژه‌ی اخلاق جمع خُلُق است. در اصل لغت به معنای یک صفت نفسانی است. (عمید، ۱۳۷۴، ذیل واژه خلق). یا یک هیئت راسخه، یک حالتی که در نفس رسوخ داشته باشد، و موجب این بشود که افعالی که متناسب با آن صفت است بدون احتیاج به تروی، یعنی فکر کردن، سنجیدن، از انسان صادر شود. (فیض کاشانی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۷). همچنین «خُلُق» به معنای صورت ظاهری و «خُلُق» به معنای صورت باطنی است. وقتی می‌گوییم فلانی خُلُق و خُلُقش زیباست به این معنی است که ظاهر و باطنی زیبا و آراسته دارد. (شبّر، ۱۳۸۲، ص ۳۱). اصطلاحاً اخلاق «حالتی در نفس است که زمینه‌ی صدور افعال پسندیده و نیکو و دوری از افعال زشت و ناپسند» است. (غزالی، ۱۳۷۴، ص ۳۳). با توجه به این تعریف کاملاً روشن است که اخلاق و خانواده رابطه‌ای مستقیم دارد؛ زیرا انسان بر اساس فطرتش موجودی کمال طلب و گریزان از ضعف و نقص است و از طرفی جز در سایه‌ی محیط امن و سازنده‌ی خانواده‌ی انسان قادر به کسب آگاهی، کمال و رفع نواقص از رفتار خود نیست؛ از این رو انسان طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن است. (حسینی، ۱۳۸۸، شماره ۲۶، ص ۴۴).

الف: توصیه بر حسن معاشرت

از جمله توصیه‌های قرآن برای کنترل رفتار، توصیه به حُسن معاشرت است. قرآن می‌فرماید: «وَ عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء ۴) آیه ۱۹). و با آنان به طور شایسته رفتار کنید». «معروف به معنای شیوه‌های رفتاری مطلوب در هر جامعه مادامی که خلاف شرع نباشد». (محمد عبده، ۱۳۰۳ق، ج ۲، ص ۳۷۴). در آیات مذکور ارزش‌های اخلاقی، تحت معروف می‌باشند، بنابراین خشونت، خیانت در امانت و کم‌لطفی در خانواده ضدارزش و ناپسند است.

ب: عفت و پاک‌دامنی

یکی دیگر از توصیه‌های اخلاقی و معنوی قرآن در جهت ارتقای معنویت افراد خانواده توصیه به عفت و پاک‌دامنی است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ (نور) (۲۴) آیات ۳۰-۳۱). مردان چشمان خود را از حرام بپوشانند و زنان نیز چنین وظیفه‌ای دارند». رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «الْتَّظَرُ سَهْمٌ مِّنْ سَهَامِ إبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِّنَ اللَّهِ اعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ؛ (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۱۰۴، ص ۳۸). نگاه کردن [به مناظر نامشروع] تیری از تیرهای شیطان است، کسی که به خاطر ترس از خداوند آن را ترک کند، خداوند به او ایمانی عطا می‌کند که شیرینی‌اش را در قلبش می‌یابد».

ج: مراعات گذشت و عفو

گذشت و عفو از دیگر توصیه‌های اخلاقی در جهت ارتقای امنیت در خانواده است، از آن‌جا که انسان موجودی جایز‌الخطا است و کمتر انسانی وجود دارد که در زندگی اشتباهی از او سر نزده باشد و هیچ حقی را از کسی ضایع نکرده باشد. هرچند دستور اولیه دین الهی رعایت حقوق دیگران است ولی به خاطر اینکه نوع زندگی بشر خالی از خطا نیست، برای آنکه خطاها باعث اختلاف نشود، دستور گذشت داده شده است. (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۸).

د: توصیه به کم‌توقعی

یکی دیگر از توصیه‌های اخلاقی و معنوی، توصیه به کم‌توقعی است. خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَّسْعَهَا؛ (بقره) (۲) آیه ۲۳۳). خداوند احدی را جز به اندازه‌ی وجودش تکلیف ننماید». توصیه‌های رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) (که خداوند او را اسوه‌ی مسلمین قرار داد) به دخترش فاطمه (سلام‌الله‌علیها) این است که از همسر خود چیزی درخواست نکن تا مبادا باعث شرمندگی و یا به زحمت افتادن او شود. به طوری که فاطمه (سلام‌الله‌علیها) در سخت‌ترین شرایط زندگی چیزی از همسر خود مطالبه نمی‌کند و هنگامی که حضرت علی (علیه‌السلام) رنگ زرد فاطمه (سلام‌الله‌علیها) و فرزندانش را می‌بیند و از آن‌ها سؤال می‌کند که آیا چیزی برای خوردن داریم. فاطمه (سلام‌الله‌علیها) پاسخ می‌دهد: قسم به آنکه حق تو را بزرگ گردانید، سه روز است که چیزی نداریم تا از تو پذیرایی کنم. علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: پس چرا مرا آگاه نکردی؟، جواب می‌دهند: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مرا نهی کرد از اینکه از تو چیزی بخواهم و فرمود: «از پسر عمویت چیزی نخواه، اگر چیزی آورد که آورد و گرنه درخواست مکن». (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۴۳، ص ۳۱).

ه: احترام متقابل

یکی دیگر از عوامل ایجاد معنویت در خانواده احترام متقابل اعضای این نهاد، نسبت به یکدیگر است. بی‌شک وظیفه‌ی هر مسلمانی این است که با مسلمان دیگر با احترام برخورد کند، اما احترام زن و مرد و پدر و مادر با فرزندان به دلیل نقشی که در سلامت و تعالی خانواده دارند بیش‌تر مورد تأکید است؛ (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۳۹۴.۹) مردان از آن نظر که بزرگ خانواده محسوب می‌شوند، در این باره وظیفه‌ی سنگین‌تری دارند و از این رو در روایات فراوانی بر مردها توصیه شده که به همسران خود احترام بگذارند. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این خصوص می‌فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۱۲، ح ۱۰۲۳). هرکس همسری اختیار کرد باید او را گرامی بدارد».

و: صداقت

صداقت یکی از مسائلی است که در متون دینی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و جوهره‌ی روابط سالم میان زن و شوهر است که موجب اعتماد زوجین به یکدیگر و تحکیم روابط آنها می‌شود. امام عارفان حضرت علی (علیه‌السلام) «راست‌گویی را موجب نجات و دروغ‌گویی را سبب رسوایی» (صادقی اردستانی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷). می‌دانند. قرآن کریم نیز راست‌گویی را ملاک ایمان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ؛ (نحل (۱۶) آیه ۱۰۵). تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که ایمان به آیات خداوند نمی‌آورند و آن‌ها هستند که دروغ‌گویند».

ز: همیاری

در جامعه‌ی امروزی که امواج کوبنده‌ی فساد در بیرون از خانواده‌ها بسیار قوی و خطرناک است زن و مرد باید آگاه بوده، و این امواج را از طریق تعلیم و تربیت خانوادگی و با برنامه‌ریزی اساسی و دقیقی خنثی نمایند. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَىٰ بَرٍّ. قُلْتُ كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَىٰ بَرٍّ؟ قَالَ: يَقْبَلُ مَيْسُورَةً وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورَةٍ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ»؛ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۰). خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند. راوی حدیث پرسید: چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نماید؟ حضرت در جواب چهار دستور داد:

۱- آنچه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند.

۲- آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت‌فرسا است از او نخواهد.

۳- او را به گناه و طغیان وادار نکند.

۴- به او دروغ نگوید، و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود.

ب) عوامل اجتماعی

انسان به صورت طبیعی در تعامل با اجتماع می‌باشد و نیازهای او در متن اجتماع پاسخ داده می‌شود، بنابراین ارتباط او با افراد دیگر اجتناب‌ناپذیر است. خانواده هم در همین راستا از اجتماع اثر می‌پذیرد و گاهی بعضی اثرهای آن مخرب می‌باشد. عوامل اجتماعی بسیاری هستند که سرنوشت خانواده‌ها را تغییر می‌دهند که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- نقش حیای اجتماعی در تأمین امنیت خانواده

در ارتباط کلامی، حیا مانع کلام تحریک کننده‌ای خواهد بود که ممکن است موجب اغفال زن یا مرد شود. حاکمیت حیا چگونگی پوشش و حضور زن و مرد در جامعه را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که زن از خودآرایی و حضور چشم‌نواز در جامعه شرم می‌کند. زن با حیا، آن‌جا که زیبایی فسادانگیز است، از آن گریزان و آن‌جا که زیبایی موجب استحکام خانواده می‌گردد طرفدار زیبایی است. حضرت علی (علیه‌السلام) مردان منطقه‌ی عراق را به دلیل کوتاهی در انجام این وظیفه سرزنش کرده و می‌فرماید: آیا شرم نمی‌کنید؟! «یا أهل العراق نبئت أن نساءکم یدافعن الرجال فی الطریق أما تستحیون؟» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۳۷). ای مردم عراق! به من خبر رسیده است که زنان شما در بین راه با مردان برخورد کرده و آنان را کنار می‌زنند، آیا شرم نمی‌کنید؟! امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «از بی‌شرمی بپرهیز؛ زیرا تو را به ارتکاب زشتی‌ها و روی آوردن به بدی‌ها و می‌دارد». (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۷۷۰). در روایت دیگری حضرت می‌فرماید: «از کار زشت بپرهیز؛ زیرا تو را بدنام کرده و گناه تو را زیاد می‌کند». (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶).

۲- رعایت اصل سر و رازداری

واژه سرّ از ماده «سرر» به معنای پنهان کردن مطلبی در دل است. (ابن‌منظور مصری، ۱۴۰۵ق، ص ۳۵۶) و افشاء چیزی یعنی اظهار کردن آن در میان مردم. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۴). بنابراین راز، هر سرّ نهفته و پنهانی است که آشکار شدن آن می‌تواند تأثیرات مهم و منفی به جا گذارد. هر انسان و جامعه‌ای رازی دارد که افشای آن را دوست نمی‌دارد و می‌کوشد تا آن را مکتوم دارد و آشکار نسازد. اما واژه «اسرّ» از اضداد است؛ هم به معنای پنهان ساختن آمده و هم به معنای آشکار نمودن به کار رفته است. (ابن‌منظور مصری، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۵۶). مهم‌ترین ارزش‌هایی که از منظر قرآن تأثیر بسزایی در افزایش امنیت و آرامش خانواده دارد موضوع رازداری

همسران است. فقدان حس اعتماد در خانواده را باید از مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلافات خانوادگی دانست. به همین دلیل خداوند سبحان با تنزیل سوره تحریم و بیان اهمیت رازداری همسران پیامبر و برشمردن ویژگی‌های زنان نمونه، می‌کوشد تا حساسیت نسبت به این موضوع را گزارش و نیز آثار و نتایج و خطرات ناشی از آن را گوشزد نماید. از این رو بر عنصر رازداری تاکید ورزیده و بر مؤلفه‌هایی چون عفو و گذشت و مهربانی و احسان و نیکوکاری فراتر از عدل پا می‌فشارد.

الف: سر در قرآن کریم و روایات

در قرآن کریم رازداری به عنوان یک اصل مهم و بالارزش شمرده شده است؛ زیرا بسیاری از خطراتی که انسان با آن مواجه می‌شود به سبب همین افشای راز دل است؛ زیرا در دوستان گاه موجب حسادت و خیانت و در دشمنان عامل جنایت می‌شود. حضرت یعقوب (علیه‌السلام) به حضرت یوسف (علیه‌السلام) می‌فرماید: «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ (یوسف (۱۲) آیه ۵). گفت: فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه خطرناک می‌کشند؛ زیرا شیطان دشمن آشکار انسان است!» از درس‌هایی که این آیه به ما می‌دهد، درس حفظ اسرار است که گاهی حتی در مقابل برادران نیز باید عملی شود؛ زیرا همیشه در زندگی انسان اسراری وجود دارد که اگر فاش شود ممکن است آینده خود یا جامعه‌اش را به خطر اندازد، خویشتن‌داری در حفظ این اسرار یکی از نشانه‌های وسعت روح و قدرت اراده است؛ چه بسیارند افرادی که به خاطر ضعف در این قسمت، سرنوشت خویش و یا جامعه را به خطر افکنده‌اند و چه بسیار ناراحتی‌هایی که در زندگی به خاطر ترک حفظ اسرار برای انسان پیش می‌آید. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۱۹).

ب: توجه به اسرار خانوادگی و تأثیر آن در امنیت خانواده

به طور کلی آگاهی از راز دیگران می‌تواند مبتنی بر دلائل گوناگونی باشد. برای نمونه گاه شخصی خواسته و ناخواسته از راز دیگری آگاه می‌شود و یا شخص خود برای تخلیه از فشاری یا مشورت و راهنمایی یا هر دلیل دیگر، رازی را با دیگری در میان می‌گذارد. حال اگر کسی از گناه و خطا یا اشتباه دیگری آگاهی یافت، آیا باید راز از پرده بیرون افتاده را افشا و هویدا کند؟ هرگز! مگر آنکه مسئله‌ای مرتبط با حقوق ملت و امنیت جانی و مالی و عرض دیگران باشد که لازم است برای جلوگیری از فساد بیشتر، آن راز آشکار شود؛ (آل عمران (۳) آیه ۸۱؛ انفال (۸) آیه ۷۲؛ توبه (۹) آیه ۶۱). وگرنه همان‌گونه که تجسس، حرام و گناه است، (حجرات (۴۹) آیه ۲۱). افشای اسرار و رازهای دیگران نیز حرام و گناه است. پس باید رازداری را از خداوند آموخت؛ زیرا یکی از ویژگی‌های خدا، ستار بودن است؛ به این معنا که بر رازها و اسرار زشت و بد بشر سرپوش می‌گذارد و کسی را به آن آگاه نمی‌سازد؛ «نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ؛ (اسراء (۱۷) آیه ۴۷). هنگامی که به سوی تو گوش فرا می‌دارند ما بهتر می‌دانیم به چه [منظور] گوش می‌دهند و [نیز] آنگاه که به نجوا می‌پردازند»

ج: برخورد قرآن با افشاکنندگان اسرار خانوادگی

از منظر قرآن کریم، افشای سرّ، ناشی از قرار گرفتن در مسیر باطل و دوری از ارزش‌های دینی است که در نتیجه آن، آدمی جرأت تجاوز به حریم مقدس خانواده را پیدا کرده و رشته انس و الفت آن را پاره و امنیت آن را مختل ساخته و در نهایت کانون گرم خانواده را دستخوش حوادث ناگوار می‌کند. قرآن کریم از تعابیر شدیدی برای افشاکنندگان سرّ یاد کرده است. شدت توبیخ در مورد آن دو زنی که راز پیامبر را فاش کردند به خوبی این امر را آشکار می‌کند: «إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (تحریم (۶۶) آیه ۴). اگر [شما دو زن] به درگاه خدا توبه کنید [بهتر است]، واقعاً دل‌هایتان انحراف پیدا کرده است. و اگر علیه او به یکدیگر کمک کنید، در حقیقت، خدا خود سرپرست اوست، و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور اویند] و گذشته از این، فرشتگان [هم] پشتیبان [او] خواهند بود». (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ص ۳۳۱).

نتیجه گیری

خانواده‌ها سرمایه‌های اصلی یک جامعه‌اند و باید در راستای حفظ آن تمام توان خود را به کار گیریم. برای حفظ بنیان خانواده راه‌هایی وجود دارد که ما در این نوشتار از دیدگاه اسلام به برخی از آن‌ها اشاره کردیم و نتایجی حاصل شد از جمله: همه‌ی دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه‌ی خانواده‌های سالم و امن پدید می‌آید. برای پیش‌گیری از کم‌رنگ شدن روابط صمیمانه و امنیت هر یک از اعضا، توجه به ارزش‌های دینی امری ضروری است. سست شدن اعتقادات و روی‌گردانی از عقاید و مصادیق عبادی مثل نماز و روزه باعث کم‌رنگ شدن ارتباطات سالم بین افراد خانواده شده و پایه‌های عاطفی آن‌ها سست می‌شود. تمامی ارزش‌های دینی چون برخاسته از فطرت‌اند، بدون استثنا راهکارهایی مؤثر برای تنظیم روابط خانواده و ایجاد امنیت در آنند. تعالی معرفت دینی و مؤدب شدن به آداب الهی، با پایداری خانواده نسبتی مستقیم دارد. از منظر قرآن کریم، پنهان نمودن اسرار خانوادگی، یک ارزش دینی محسوب می‌شود که در افزایش امنیت و آرامش خانواده نیز تأثیر بسزایی دارد. گذشت و احترام متقابل می‌تواند جلوی توقعات بی‌جا و خودپسندی که از عوامل سرد شدن محیط عاطفی خانواده است بگیرد. عبادت و انس با معبود از راهکارهایی است که اسلام پیشنهاد می‌کند تا در سایه‌ی آن موانع امنیت برداشته شود و از بدعت و خرافه‌پرستی و اشرافی‌گری و تمایل به برنامه‌های غیردینی جلوگیری شود. مفهوم حقیقی امنیت با توجه به آیات و روایات، غافل نشدن از یاد خداست که این غفلت امنیت روحی و روانی و خانوادگی فرد را به خطر می‌اندازد. از این‌رو، قرآن همواره انسان‌ها را متذکر این معنا می‌گرداند که اگر طالب آسایش و آرامش هستید راهی جز روی آوردن به یاد خدا، فراروی شما نیست و در این راستا اقامه‌ی نماز را امر فرموده که زیباترین جلوه‌ی یاد خداست.

منابع

*قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.

الف: کتاب‌های فارسی

- ۱- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چ ۱۸، تهران، مروارید، ۱۳۸۹.
- ۲- انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، چاپ سیزدهم، قم، ام ابیها، ۱۳۷۹.
- ۳- الهامی‌نیا، علی اصغر و دیگران، معنویت اسلامی چستی و چرایی و چگونگی، چ ۱، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
- ۴- اخوان کاظمی، بهرام، امنیت در نظام سیاسی اسلام، چ ۱، تهران، اندیشه جوان، ۱۳۸۵.
- ۵- احمدی، حبیب الله، فاطمه الگوی زندگی، چ ۷، قم، فاطیما، ۱۳۷۹.
- ۶- تقوی، سیدرضا، تأملات فرهنگی، چ ۲، تهران، نخیل، ۱۳۸۵.
- ۷- جاسمی، محمد، جاسمی، بهرام، فرهنگ علوی سیاسی، چ ۱، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۵۷.
- ۸- جهان بزرگی، احمد، امنیت در نظام سیاسی (اصول و مؤلفه‌ها)، چ ۲، تهران، اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۹- جباران، محمدرضا، درسنامه علم اخلاق، ج ۱، قم، هاجر، ۱۳۸۷.
- ۱۰- حسینی دشتی، سیدمصطفی، معارف و معاریف (دایرة المعارف جامع اسلامی)، چ ۳، تهران، آرایه، ۱۳۷۹.
- ۱۱- خسروی حسینی، سیدغلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چ ۳، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
- ۱۲- دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه، چ ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۳- ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، تهران، سروش، ۱۳۸۲.

- ۱۴- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، چ ۳، تهران، اسلام، ۱۳۷۸.
- ۱۵- شریف القریشی، باقر، نظام خانواده در اسلام، ترجمه لطیف راشدی، [بی جا]، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۱۶- صالح، عظیمه، معنانشناسی واژگان قرآن، ترجمه سیدحسین سیدی، چ ۱، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.
- ۱۷- صادقی اردستانی، احمد، پانصد حدیث اعتقادی و اخلاقی، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۴.
- ۱۸- عابدینی مطلق، کاظم، ترجمه نهج الفصاحه، چ ۳، قم، فراگفت، ۱۳۸۶.
- ۱۹- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، چ ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲۰- -----، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، چ ۱، تهران، اندیشه، ۱۳۸۵.
- ۲۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چ ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- ۲۲- محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و احادیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ ۱، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.
- ۲۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ ۱، تهران، بهزاد، ۱۳۸۱.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چ ۳۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- ۲۵- مقدادی، محمد، ریاست خانواده، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۵.
- ۲۶- نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقش سپاه در امنیت کشور، [بی جا]، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷.
- ۲۷- هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

منابع عربی

- ۱- ابن منظور مصری، محمدبن مکرم، لسان العرب، [بی جا]، [بی نا]، ۱۴۰۵ق.
- ۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، امام عصر (عج)، ۱۳۹۵.

- ۳- حسینی مصری، سیدمرتضی، تاج العروس، ج ۳، [بی جا]، [بی نا]، ۱۳۰۶ ق.
- ۴- حسینی شیرازی، سیدمحمد، الفقه السلم و السلام، بیروت، دارالعلوم للتحقیق و الطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۲۶ ق.
- ۵- حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ ق.
- ۶- رشیدرضا، سیدمحمد، تفسیر المنار (محمدعبد)، بیروت، دارالفکر، ۱۳۰۳.
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۸- روحانی، محمود، معجم الاحصانی لألفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماری قرآن کریم)، ج ۲، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۹- شبّر، عبدالله، الأخلاق، ترجمه محمدرضا جباران، ج ۹، قم، هجرت، ۱۳۸۲.
- ۱۰- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۹ ق.
- ۱۲- غزالی، محمد، إحياءالعلوم، تهران، شرکت انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۱۳- فیض کاشانی، مرتضی، حقائق، ترجمه محمدباقر ساعدی، ج ۳، تهران، علمیه اسلامی بازار شیرازی، ۱۳۶۸.
- ۱۴- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ترجمه مرتضی آخوندی، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲.
- ۱۵- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح هیودی و میانجی، ج ۴، [بی جا]، کتابچی دریا، ۱۳۷۴.
- ۱۳۸۸.
- ۱۷- معلوف، لويس، المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، ج ۶، تهران، ایران، ۱۳۷۵.

مقالات

- ۱- بهرامی، سیاوش، درآمدی بر امنیت سپهر اندیشه امام علی (علیه السلام)، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۴، ۱۳۸۹.
- ۲- جوهری، شکیباسادات، پالایش جسم و جان در کوثر دعا و نیایش، مجلات اخلاقی و تربیتی طوبی، شماره ۲۲، ۱۳۸۶.
- ۳- حسینی، اکرم، تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآن، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۶، ۱۳۸۸، ص ۴۳.
- ۴- ملکیان، مصطفی، معنویت و محبت چکیده همه‌ی ادیان است، یزد، آفتاب یزد، ۱۳۷۹.
- ۵- نادری، محمد، اهمیت امنیت در اسلام، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱، ۱۳۸۸.